

اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی

سجاد سیف‌لو^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۱۵

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۳/۰۲/۱۰

صفحات مقاله: ۵۳ - ۸۸

چکیده:

دفاع در طول تاریخ همیشه جزء مهمی از زندگی بشر بوده است؛ زیرا اقدامات دفاعی انسان سبب دفع یا کاهش میزان اثر تجاوز مهاجمان می‌شود. اما چگونگی دفاع به عوامل و شرایط مختلفی بستگی دارد و انسان‌ها در دوران حیات خود سعی کرده‌اند تا با استفاده از عقل و تدبیر و اراده‌ی خود بهترین راه دفاع را در وضعیت‌های متفاوت، در مقابل تهاجم دشمنان نشان انتخاب و آن را به‌کار ببندند. با توسعه‌ی جوامع، تفاوت‌های زیادی در جنگ‌افزارها و به همین نسبت در راه و روش‌های دفاعی صورت گرفته است. هم‌چنین جنگ و دفاع از مفهوم نظامی آن فراتر رفته است، از جمله می‌توان به تهاجم فرهنگی، جنگ سایبری اشاره کرد.

تلاش این مقاله آن است که با استفاده از توسعه‌ی مفهومی جنگ و دفاع، مفهوم جنگ و دفاع اقتصادی را تشریح نموده و بر مبنای یک تحقیق کیفی و تحلیل منطقی این مفاهیم، چارچوبی تحلیلی و نظری جهت عملیاتی‌شدن اقتصاد مقاومتی فراهم نماید. در نهایت، در پی پاسخ به سؤال اصلی در خصوص مفهوم اقتصاد مقاومتی، به دنبال اثبات این فرضیه است که اقتصاد مقاومتی در یک پارادایم نظامی در واقع راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی است. علاوه بر اثبات این فرضیه، نتایج این تحقیق الگویی عملیاتی است که مبتنی بر جنگ اقتصادی و دفاع غیرعامل اقتصادی جهت عملیاتی‌شدن اقتصاد مقاومتی طراحی و ارائه شده است.

* * * * *

واژگان کلیدی

دفاع (پدافند) غیرعامل، جنگ اقتصادی، دفاع غیرعامل اقتصادی، اقتصاد مقاومتی.

۱ - دانشجوی دکتری مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز از دانشکده معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (ع).

مقدمه

تضاد منافع، حرص و طمع، استکبار و بسیاری از عوامل دیگر، جنگ و تقابل را به یک پدیده‌ی همیشگی حیات بشری تبدیل کرده است. جنگ و نزاع از اول شروع زندگی انسان بر روی کره‌ی خاکی وجود داشته و شروع پایان آن با جنگ و تقابلی عقیدتی میان حق و باطل یا طاغوت و الله همراه بوده است. تقابل تاریخی حق و باطل ریشه‌ی بسیاری از جنگ‌های بشری بوده است. بدون نیاز به استدلال، زمانی که جنگ جزء جدایی‌ناپذیر حیات بشری باشد، دفاع نیز امری اجتناب‌ناپذیر است و تا زمانی که جنگ باشد، دفاع نیز هست. تاریخ گواهی عینی است که طاغوت‌ها و سردمداران باطل همواره به دنبال ستم و ظلم به جنگ و تجاوز متوسل می‌شوند و در حال حاضر نیز از این دستاویز هم‌چنان استفاده می‌کنند. در چنین شرایطی، دفاع و حمایت از مظلوم و عدم پذیرش ظلم موضوعاتی مقدس جلوه می‌کنند که مانند جنگ عنصری جدایی‌ناپذیر از حیات بشری است.

به فراخور تغییر در جوامع انسانی و توسعه در نرم‌افزارها و سخت‌افزارها، جنگ‌افزارها و روش‌های جنگ و دفاع نیز متحول شده‌اند. با توجه به نگاه انسانی جریان حق و در رأس آن دین مبین اسلام به مسئله‌ی جنگ، دفاع اولین راهبرد است تا آنجا که جنگ ابتدایی در آن به شدت محدود شده و به عقیده‌ی برخی از صاحب‌نظران تاریخ اسلام نمی‌توان هیچ جنگ ابتدایی را در طول تاریخ مسلمانان شماره کرد. از این رو، اهمیت دفاع و ابزارهای دفاعی در نگاه دینی به‌عنوان اصلی‌ترین راهبرد نظامی و امنیتی، بسیار بیش‌تر است. هم‌چنان که جنگ‌افزارها و سلاح‌های بشر از سنگ و دشنه به هواپیماهای پیشرفته و زیردریایی‌ها و ناوهای غول‌پیکر تبدیل شده است، راهبردها و ابزارهای دفاعی نیز متحول شده‌اند.

دفاع یا پدافند اصطلاحی نظامی است که دو نوع بسیار متداول آن در عصر حاضر دفاع (پدافند) عامل و دفاع (پدافند) غیرعامل است. در اصطلاح نظامی دفاع عامل به دفاعی اطلاق می‌شود که با استفاده از جنگ‌افزار صورت می‌گیرد، اما در دفاع غیرعامل از جنگ‌افزار خبری نیست، بلکه نوعی از دفاع است که در آن استفاده از جنگ‌افزار و سلاح جایگاهی ندارد.

دفاع غیرعوامل روش‌ها و اصول آن، مبانی و چارچوب جاافتاده و تألیف‌شده‌ای در ادبیات نظامی دارد که برخی از آنها در بخش پیشینه‌ی تحقیق بررسی شده است، اما ورود اندکی به این موضوع از زاویه‌ای غیرنظامی شده است، هرچند برخی تحقیق‌ها و نوشته‌ها با غلبه‌ی پارادایم نظامی از ابعاد فرهنگی و غیرنظامی به این مسأله توجه کرده‌اند که در بخش پیشینه‌ی تحقیق آورده شده است.

روش تحقیق

تلاش این تحقیق آن است که با توسعه‌ی مفهوم جنگ، آسیب، دفاع و دفاع غیرعوامل از یک مفهوم صرفاً نظامی، مصادیق جدیدی برای جنگ و تقابل ارائه نموده و دفاع غیرعوامل را در حوزه‌های دیگر نیز به کار گیرد. از این رو، به روش تحقیق کیفی و تحلیل منطقی به دنبال پاسخ این سؤال اصلی است که مفهوم اقتصاد مقاومتی در یک پارادایم نظامی چیست؟

تحقیق کیفی عبارت از مجموعه فعالیت‌هایی (مانند مشاهده، مصاحبه و شرکت گسترده در فعالیت‌های پژوهشی) است که هر کدام به نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست اول، درباره‌ی موضوع مورد تحقیق یاری می‌دهند. بدین ترتیب، از اطلاعات جمع‌آوری شده، توصیف‌های تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی شده حاصل می‌شود. در روش مورد بحث دسترسی به اطلاعات؛ یعنی زندگی کردن با مردم مورد پژوهش، یادگیری فرهنگ آنها، از جمله مبانی ارزشی، عقیدتی و رفتاری، زبان و تلاش برای درک احساس، انگیزش و هیجان‌های آنهاست. محقق کیفی، رفتار اجتماعی را به این دلیل درک می‌کند که خود را به جای دیگران قرار می‌دهد. (دلور، ۱۳۸۵)

آنسلم استراس می‌گوید: «منظور ما از تحقیق کیفی عبارت از هر نوع تحقیقی است که یافته‌هایی را ارائه می‌دهند که با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن کسب شده‌اند. این شیوه ممکن است به تحقیق درباره‌ی زندگی افراد، شرح حال‌ها، رفتارها و همچنین درباره‌ی کارکرد سازمانی، جنبش‌های اجتماعی یا روابط بین‌الملل معطوف باشد.» (استراس و جولیت، ۱۳۸۵)

نزدیک به ۹۰ درصد گزارش‌های منتشرشده تا پایان دهه‌ی ۱۹۶۰ در مجلات جامعه‌شناسی آمریکا، مبتنی بر تحقیق کمی و آماری بودند. گرچه در بریتانیا آمارهای قابل مقایسه‌ای در دست نیست؛ اما گمان می‌رود تا اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ تحقیق آماری در این کشور نیز مسلط بود. البته امروزه قضیه تفاوت پیدا کرده و به دلیل انتقادهای نظری از "اثبات‌گرایی" (Positivism) (که گرایش به شیوه‌های آماری و کمی دارند)، اکنون روش‌های کیفی، جایگاهی کانونی در آموزش و تحقیق اجتماعی به دست آورده‌اند. (سیلورمن، ۱۳۷۹)

پژوهش اثبات‌گرا، ریشه در این فرض دارد که جلوه‌های محیط اجتماعی، واقعیتی مستقل را تشکیل می‌دهند و طی زمان و موقعیت‌ها نسبتاً ثابت‌اند. منظور از استقلال پدیده این است که واقعیت، نزد پژوهش‌گر اثبات‌گرا، عینی تلقی می‌شود، جدا از پژوهش‌گر وجود دارد و توسط همگان دیده می‌شود. به دیگر سخن، واقعیت اجتماعی وجود خارجی دارد و توسط مشاهده‌گران ساخته نمی‌شود. بر خلاف پژوهش‌های کیفی (مابعد اثبات‌گرا) که در آن واقعیت اجتماعی به وسیله‌ی مشارکت‌کنندگان در آن ساخته می‌شود.

به عبارت دیگر، برای پژوهش‌گر کیفی واقعیت یگانه‌ای وجود ندارد، هر ناظر و مشاهده‌گری واقعیت را به صورت بخشی از فرآیند پژوهشی خلق می‌کند، واقعیت مبتنی بر ذهن است و تنها با ارجاع به یک ناظر موجودیت می‌یابد. به عبارتی، پژوهش‌گر کمی عینیت را وجهی همت خود قرار می‌دهد و از داده‌ها جدا می‌ایستد، ولی پژوهش‌گر کیفی خود را بخش ناگسستنی از داده‌ها می‌داند. در حقیقت بدون مشارکت فعال پژوهش‌گر، داده‌ای وجود ندارد.

پژوهش‌گر اثبات‌گرا، دانش را از طریق گردآوری داده‌های عددی و مشاهده‌ی نمونه‌ها و سپس عرضه‌ی این داده‌ها به تحلیل عددی فراهم می‌کند. در مقابل اینها پژوهش "مابعد اثبات‌گرا"، ریشه در این فرض دارد که جلوه‌های محیط اجتماعی به عنوان تفسیرهایی به وسیله‌ی افراد ساخته می‌شود. این تفسیرها شکل‌گذازا و وابسته به موقعیت دارند. پژوهش‌گران مابعد اثبات‌گرا دانش را از درجه‌ی اول از طریق گردآوری داده‌های کلامی با

"مطالعه‌ی جدی و عمق"^۱ موارد، و عرضه‌ی این داده‌ها به استقراء تحلیلی فراهم می‌آورند. (گال و دیگران، ۱۳۸۲)

در تحقیق کیفی سه بخش عمده وجود دارد:

- بخش اول: داده‌ها؛ داده‌ها می‌توانند از منابع مختلف گردآوری شده باشند. مصاحبه، مشاهده و مشارکت، معمول‌ترین منابع‌اند؛
- بخش دوم: شامل روش‌های تحلیلی و تعبیر و تفسیری است که برای رسیدن به یافته‌ها یا نظریه‌ها به‌کار می‌رود. این روش‌ها شامل شیوه‌های مفهوم‌پردازی از داده‌هاست که به "کدگذاری"^۲ معروف است. شیوه‌های دیگری مثل نمونه‌گیری غیرآماري، یادداشت‌برداری و نمایش روابط مفهومی به‌صورت دیاگرام نیز بخشی از مرحله‌ی تحلیلی‌اند؛
- بخش سوم: عبارت است از گزارش‌های نوشته‌شده و شفاهی و ارائه‌ی آنها در مجله‌ها و کنفرانس‌های علمی. (استراس و جولیت، ۱۳۸۵)

در این مقاله با عنایت به فقدان چارچوب مفهومی و نظری در خصوص اقتصاد مقاومتی با استفاده از شواهد، اسناد و ... ابتدا با نظریه‌پردازی در خصوص اقتصاد مقاومتی، چارچوبی مفهومی و نظری برای تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی ایجاد شده است. در مرحله‌ی بعد، این چارچوب تحلیلی برای سازماندهی یک مبانی اولیه‌ای برای دفاع غیرعوامل اقتصادی که می‌توان از آن به اقتصاد مقاومتی در یک پارادایم نظامی تعبیر نمود، به‌کار گرفته شده است.

از این‌رو، فرضیه‌ی این تحقیق این است که اقتصاد مقاومتی در یک پارادایم نظامی در واقع راهبرد دفاع غیرعوامل اقتصادی است.

علاوه بر این، با یک رویکرد کشفی تلاش شده است تا یک مدل عملیاتی نیز با استفاده از چارچوب نظری ساخته شده و تحلیل صورت‌گرفته برای اجرای این راهبرد پیشنهاد گردد.

1 - Intensive

2 - Coding

در نهایت نیز با استفاده از آمار و اطلاعات در دسترس تلاش شده است ضمن تبیین بیش‌تر مدل عملیاتی، به صورت عملی این الگو در خصوص چند نمونه‌ی اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد. انتخاب مطالعه‌های موردی به نحوی است که ضمن ایجاد شفافیت در درک مدل، شامل هر سه سطح یادشده در مدل باشد.

پیشینه‌ی تحقیق

تحقیق‌های صورت گرفته در خصوص موضوع این تحقیق را می‌توان در دو دسته‌ی کلی مورد توجه قرار داد: دسته‌ی اول، تحقیق‌هایی هستند که با نگاه کاملاً نظامی دفاع غیرعامل را مورد توجه قرار داده و به بررسی موضوعات مختلف پرداخته‌اند. نگاه نظامی و امنیتی در این دسته از تحقیق‌ها غلبه دارد و غالباً توسط کارشناسان و متخصصان نظامی نوشته شده‌اند. برای نمونه، موحدی‌نیا (۱۳۸۶) در کتاب خود به بررسی اصول و مبانی پدافند غیرعامل پرداخته است. در این کتاب، واژگان مربوط تعریف شده و نمونه‌ها و تجاربی از دفاع غیرعامل در جنگ‌های قرن بیستم بیان شده‌اند. در سایر بخش‌های این تحقیق، اهداف، حوزه‌های علمی مربوط، مانند دشمن‌شناسی و تهدیدشناسی، آمایش سرزمینی، مهندسی‌های فیزیک، شیمی، معدن، مواد، ساختمان، مکانیک، معماری، رزم، جامعه‌شناسی دفاعی، اقتصاد دفاعی، مدیریت بحران و ... مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تحقیق مفصل با پرداختن به جایگاه طبیعت در دفاع غیرعامل و هم‌چنین طرح راهبرد تمرکززدایی کره‌ی شمالی به اهمیت پدافند غیرعامل پرداخته و اصول و روش‌های مختلف را تشریح می‌کند. در پایان این کتاب، معیارهای اولویت‌بندی مراکز ثقل را مورد بررسی قرار می‌دهد. کمیته‌ی پدافند غیرعامل وزارت آموزش و پرورش نیز در سال ۱۳۸۸ با رویکردی مشابه کتابی با عنوان «مبانی، اصول و شیوه‌های پدافند غیرعامل» منتشر نموده است. سلیمانی (بی تا) نیز با لحاظ محدودیت‌های مخاطب، پدافند غیرعامل را در کتابی جهت معرفی به دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه گردآوری نموده است که نشان از حساسیت خاص وزارت آموزش و پرورش بر روی موضوع پدافند غیرعامل است.

نیازی تبار (۱۳۸۶) با توجه به اهمیت ویژه‌ی جنگ‌افزارهای کشتار جمعی^۱ به لحاظ نظامی، به آسیب‌شناسی پدافند غیرعامل در برابر اقدامات هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی (NBC)^۲ پرداخته است. در این تحقیق با مقایسه‌ی وضعیت نیروی نظامی، نقاط قوت و ضعف داخلی، فرصت‌ها و تهدیدات محیطی احصا و داده‌های آن با استفاده از پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. عصاریان و حسنی (۱۳۸۷) در تحقیق خود راهبرد پدافند غیرعامل در برابر حملات هوایی را بررسی نموده‌اند. این تحقیق به دنبال این سؤال اصلی است که راهبرد و روش مناسب اعمال پدافند غیرعامل در حفاظت از تجهیزات و منابع و امکانات در برابر تهاجمات هوایی چیست؟ این تحقیق با استفاده از تکنیک SWOT و روش تحلیل سلسله‌مراتبی به بررسی و واکاوی مؤلفه‌ها و یافته‌ها و هم‌چنین اولویت‌بندی آنها پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نهایتاً در قالب پیشنهاد ۲۲ اقدام پیشگیرانه در پایان تحقیق ارائه شده است.

نظامی و مهری (۱۳۸۷) به بررسی نقش پدافند غیرعامل در امنیت کشور پرداخته‌اند. تحقیق آنها تلاش دارد تا ارتباط بین دو متغیر پدافند غیرعامل و امنیت را از طریق جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و بررسی میدانی برقرار نماید و نتایج به دست آمده را با استفاده از طیف لیکرت و آزمون‌های آماری، آزمون نماید. نتایج به دست آمده از این پرسش و بررسی از صاحب‌نظران و کارشناسان به صورت دسته‌بندی و اولویت‌بندی پیشنهادات و راهکارها ارائه شده است.

دسته‌ی دوم از تحقیق‌ها با به‌کارگیری دفاع غیرعامل با مفهومی نظامی، مسائل و موضوعات غیرنظامی و فرهنگی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این نوع تحقیق‌ها نیز پارادایم حاکم نظامی است که بر روی مسائل غیرنظامی و البته با نگاه و کاربری نظامی و غیرنظامی تمرکز یافته است. از جمله‌ی این تحقیق‌ها می‌توان به مقاله‌ی جلالی فراهانی (۱۳۸۷) اشاره

1 - Mass Destruction Weapons(MAW)

2 - Nuclear, Biological, Chemical

نمود. این تحقیق به سفارش دانشگاه دفاع ملی و به‌منظور تبیین رابطه‌ی آمایش سرزمین و پدافند غیرعامل انجام شده است.

موحدی‌صفت (۱۳۸۶) در تحقیق خود ملاحظات پدافند غیرعامل در شبکه‌های PAP را بررسی کرده است. در این تحقیق، شناخت فناوری‌های شبکه‌های ADSL به‌عنوان اصلی‌ترین سرویس ارائه‌شده توسط شرکت‌های PAP و تدوین دستورالعمل‌های لازم از دیدگاه پدافند غیرعامل برای آنها دنبال شده است. در ادامه ساختار عملیاتی و مدیریتی شرکت‌های PAP با تکیه بر خدمات شبکه‌های ADSL بررسی شده، سپس تهدیدات این شبکه‌ها با رویکرد پدافند غیرعامل مشخص و در نهایت، ارائه‌ی راهکار و ملاحظات پدافند غیرعامل در این حوزه بیان گردیده است. محمدی و موحدی‌صفت (۱۳۸۷) با تأکید بر اهمیت مراکز داده به‌عنوان قلب تپنده‌ی زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و نقش آنها در امنیت یک کشور و ضرورت حفظ امنیت آنها، به ارائه‌ی مدلی بومی جهت لحاظ نمودن ملاحظات پدافند غیرعامل و امنیت در این مراکز می‌پردازند. در این مدل، ضمن سطح‌بندی مراکز داده به سه رده‌ی مهم، حساس و حیاتی، کنترل‌های لازم متناسب با هر سطح مرکز داده ارائه گردیده است. این دو تحقیق، اهمیت فناوری اطلاعات و نقش آن در پدافند غیرعامل و توجه مسئولان مربوط به این مهم را منعکس می‌کند.

سلطانی‌فر و روشندل اربطانی (۱۳۹۰) در تحقیق خود به بررسی حاکمیت، مردم و رسانه با رویکرد پدافند غیرعامل پرداخته‌اند. این تحقیق با به‌کارگیری مفاهیم جنگ نرم و قدرت نرم و پدافند غیرعامل به بررسی الزامات و کارکردهای رسانه در فضای جنگ نرم و ارائه‌ی موارد استنتاجی در قالب الگوی عملیاتی از سیاست‌گذاری رسانه پرداخته است و در پایان نیز یافته‌ها و الزامات اجرایی و کاربردی جمع‌بندی شده است. به عقیده نویسنده، این تحقیق رسانه‌ای با دغدغه‌های اخلاق‌مدارانه و ملی‌گرایانه در عصر جهانی‌شدن برای نیل به تعالی می‌بایست دارای چهار کارکرد جذب، تدافع، تهاجم و تدبیر باشد. در تعریف این مقاله، رسانه‌ی متعالی رسانه‌ای است که هم در بعد داخلی و هم در بعد سیاست خارجی، در تدبیر و توسعه‌ی امور، در کنار مردم و حاکمیت و مبتنی بر فرهنگ‌ها و ارزش‌های پایه‌ای جامعه باشد.

توسعه‌ی مفهومی و چارچوب تحلیلی تحقیق

عمده‌ترین نوآوری این تحقیق به توسعه‌ی مفهومی جنگ، آسیب، دفاع و دفاع غیرعوامل و استفاده از آنها جهت فراهم کردن یک چارچوب نظری و تحلیلی مناسب برای موضوعات اقتصادی و ارائه‌ی روشی برای عملیاتی نمودن اقتصاد مقاومتی است. توسعه‌ی مفهوم جنگ در بسیاری از حوزه‌های فنی و حتی علوم انسانی صورت گرفته است و این توسعه‌ی مفهومی در بسیاری از حوزه‌ها، کاربرد نوبی نیست و اصطلاحاتی چون جنگ نرم، جنگ سایبری، شبیخون و تهاجم فرهنگی و ... را می‌توان به‌عنوان نمونه‌ای از این گسترش مفهومی جنگ دانست. از این‌رو، به‌کار بردن اصطلاح جنگ در خارج از مفهوم صرف نظامی آن، پدیده‌ی رایجی است که نشان از تقابل در عرصه‌های مورد استفاده دارد. تقابل در عرصه‌ی فرهنگی بین دو تفکر و عقیده باعث به‌وجود آمدن جنگ فرهنگی شده و نتیجه‌ی آن تشکیل جبهه‌های فرهنگی و به تبع آن، جنگ‌افزارها و افسران این جبهه می‌شود. تهاجم فرهنگی و در مقابل آن دفاع فرهنگی نیز به تبع این گسترش، مصداق‌های خاص خود را پیدا می‌کنند.

جنگ و جبهه‌ی اقتصادی نیز می‌تواند یکی از موالید این توسعه‌ی مفهومی جنگ و جبهه باشد که می‌توان برای آن مصادیق و تعاریف مختلفی ارائه نمود. مفهوم جنگ اقتصادی در ادبیات اقتصاد متعارف به‌صورت‌های مختلف ظاهر شده است. این مفهوم گستره‌ای وسیعی از جمله تحریم‌های اقتصادی، جنگ قیمتی (Dumping)، سیاست‌های گمرکی و ارزی و ... را شامل می‌شود. تغییر تعرفه‌های گمرکی به‌منظور تغییر در صادرات و واردات به‌خصوص زمانی که به‌صورت تبعیضی و در خصوص کشوری خاص اعمال شود، نوعی تقابل اقتصادی است که سابقه‌ی طولانی در اقتصاد بین‌الملل دارد. مسأله‌ی تعرفه‌ها در سال‌های ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ غالب‌ترین موضوع سیاسی در بریتانیای کبیر بود و ادبیات مجادله‌ای زیاد تولیدی در آن دوران، از این مسأله تحت عنوان مناقشه‌ی تعرفه‌ای^۱ یاد می‌کردند. این اصطلاح به خوبی پایه‌ریزی شد و در کتاب‌های آن دوره یکی پس از دیگری، با اعتراض و بدون اعتراض به آن ظاهر گردید.

1 - Tariff Controversy

(Viner, 1966) مقررات تجاری عبارت از محدودیت‌هایی است که دولت‌های ملی بر تجارت بین‌الملل اعمال می‌کنند که به ظاهر همان تأثیر تحریم‌های اقتصادی را دارند، اما اهداف دیگری را دنبال می‌کنند. این‌گونه محدودیت‌های تجاری، اهداف تعریف‌شده‌ی سیاست تجاری یک دولت می‌باشند، درحالی که تحریم‌های اقتصادی، به‌عنوان ابزاری برای نیل به اهداف سیاست خارجی استفاده می‌شوند. به همین دلیل، دولت آمریکا در پیش‌برد سیاست خارجی خود به تحریم‌های اقتصادی روزافزون متوسل می‌شود. (علیخانی، ۱۳۸۰) بدیهی است این مفهوم از تقابل اقتصادی تعبیر تسامحی از جنگ اقتصادی است. به‌نحو مشابهی سیاست‌های ارزی نیز در مواردی جهت تشویق صادرات اتخاذ می‌شود که از جمله مناقشات اقتصادی آمریکا و چین است که نوعی تقابل اقتصادی را یدک می‌کشد. پیدایش اصطلاح دامپینگ در ادبیات اقتصادی، دقیقاً مشخص نیست و در ابتدای ظهور معنای واضحی نداشت. (Viner, 1966) این اصطلاح نیز که بین دو بنگاه اقتصادی برای تصاحب بازار و یا افزایش سهم از بازار و یا ورود به بازار رقبا و انجام می‌شود نیز طبیعتاً نمی‌تواند مفهوم کاملی از جنگ اقتصادی باشد. شاید نزدیک‌ترین مفهوم به جنگ اقتصادی، تحریم اقتصادی باشد که به نوعی استفاده از ابزار سیاسی علیه اقتصاد است. نظریه‌های تحریم رابطه‌ی مستقیم با به‌کارگیری قدرت اقتصادی دارد و بنا به تعریف رابرت پیلپین تحریم اقتصادی یعنی «دست‌کاری روابط اقتصادی به‌منظور اهداف سیاسی». (Meron, 1990)

برخی تحریم اقتصادی را جزئی از مهارت‌های دیپلماتیک می‌دانند. این برداشت بیش‌تر به قرن‌های گذشته مربوط بوده است. در اوضاع کنونی، راهبرد برای برپا کردن جنگ اقتصادی در جریان خصومت جاری عصر نوین دارای اهدافی بسیار گسترده‌تر از مفهوم سنتی است. به‌ویژه الگوی تحریم بعد از دهه‌ی ۱۹۹۰ دچار تغییر شده است؛ به‌طوری که تحریم اقتصادی به‌عنوان سیاست برتر یا جایگزین ابزار نظامی با هزینه‌ی کم‌تر یاد می‌شود. (Lopez and David, 1995)

تعاریف مختلفی از تحریم اقتصادی وجود دارد. کارتر معتقد است تحریم‌های اقتصادی به معنای «تدابیر قهرآمیز اقتصادی علیه یک یا چند کشور برای ایجاد تغییر در سیاست‌های آن

کشور است و یا دست کم بازگوکننده‌ی نظر یک کشور در باره‌ی این قبیله سیاست‌هاست.» (Carter, 1992) برخی تحریم اقتصادی را به معنای توقف عمدی یا تهدید به توقف روابط معمول تجاری یا مالی از سوی یک دولت می‌دانند. (Hufbauer and et al., 2001)

در کتاب "فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجاری بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت" «تحریم عبارت است از عمل هماهنگ به وسیله‌ی گروهی که تضمین‌کننده‌ی امتناع از داشتن روابط تجاری یا هرگونه رابطه‌ای با شخص یا گروه دیگر با هدف مجازات و یا جبران زیان‌ها باشد؛ تحریم اقتصادی نیز عبارت است از موضع‌گیری‌هایی که تعدادی از کشورهای با هدف ایجاد محدودیت در تجارت و رابطه‌ی رسمی با کشوری که از نظر آنها قوانین بین‌المللی را نادیده می‌گیرد، اتخاذ می‌شود.» (صادق یارندی و طارم سری، ۱۳۸۵)

بدین ترتیب، عبارت تحریم‌های اقتصادی به معنای اقدامات غیرنظامی است که بر انتقال کالا، خدمات و یا سرمایه به یک کشور خاص، تأثیر نامطلوبی می‌گذارد و هدف از برقراری آن، تنبیه یا مجازات و یا وادار ساختن آن کشور به تطبیق خود با اهداف سیاسی دولت تحریم‌کننده و یا بیان ناخرسندی کشور تحریم‌کننده از اقدامات و رفتارهای آن کشور است. (بهروزی‌فر، ۱۳۸۳)

هرچند اقتصاد ایران از ابتدای انقلاب اسلامی با تحریم‌های اقتصادی مواجه بود و در سال‌های اخیر با شدت و بی‌رحمی بیش‌تر مطمع نظر تحریم‌های اقتصادی قرار گرفته است، ولی این تمام مفهوم جنگ اقتصادی که موردنظر این تحقیق را برآورده نماید، نیست.

جنگ اقتصادی منظور این تحقیق، جنگی تمام‌عیار است که تعریف‌های فوق، ابزارها و عناصری از این جنگ را تشکیل می‌دهند. نکته‌ی اول که در تشریح مفهوم جنگ اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد، این‌که این جنگ نوعی عملیات ایذایی است. مفهوم ایذایی بودن، نقش ابزاری این جنگ در اهداف نظام سلطه و استکبار است. جنگ اقتصادی به خودی خود اصالتی نداشته و به‌منظور زمین‌گیر کردن مردم و مسئولان در سایر عرصه‌ها صورت می‌گیرد. با عنایت به این نکته شاید نتوان پیروزی نهایی را در این جنگ و جبهه تعریف کرد و علاوه بر این، باید

توجه کرد که نظام سلطه چگونه از این جنگ و جبهه در سایر جبهه‌ها استفاده می‌کند. نکته‌ی دوم تمام‌عیار بودن این جنگ است؛ یعنی صرفاً تفسیر تک عاملی در این جبهه محلی از اعراب ندارد. دشمن در این جنگ از تمام نقاط ضعف، امکانات، فرصت‌ها و هم‌پیمانان استفاده خواهد کرد تا به اهداف خود در آسیب‌رساندن به اقتصاد کشور و استفاده از آن در جبهه‌های دیگر دست یابد. با این تعریف از جنگ اقتصادی، تحریم و سایر اقدامات مذکور بخشی از اقدامات دشمن در جنگ اقتصادی است و هرگز نمی‌توان هر یک از آنها را به تنهایی تعبیر به جنگ اقتصادی نمود. با چنین نگاهی به جنگ اقتصادی بسیاری از اقدامات به ظاهر خنثی و حتی اقدامات اقتصادی افراد خودی می‌تواند اقدام خصمانه از سوی دشمن تلقی شود.

آسیب به مفهوم ضرر، زیان، ضربه، خدشه و ضعف است. در ادبیات علوم انسانی فعلی است که بر کارکرد، کارآمدی و توانایی یک پدیده ضربه وارد می‌کند و بقا و حیات ساختاری آن را با مشکل جدی مواجه می‌سازد. (معین، ۱۳۸۵) این تعریف از آسیب به اندازه‌ی کافی جامع هست که بتواند هر نوع تلاش خصمانه در جهت اضرار به اقتصاد را شامل شود. به‌خصوص این‌که با تأکید بر کارکرد و کارآیی که در این تعریف اشاره شده است، بسیاری از اقدامات را می‌توان منشأ آسیب تلقی نمود.

مشابه مفهوم جنگ و البته با اندکی تنزل، مفهوم دفاع و با همان ابهامات مفهوم جنگ، وارد سایر حوزه‌های غیرنظامی شده است. فارغ از ابهام مفهومی دفاع در حوزه‌های غیرنظامی، این مفهوم به اندازه‌ی دفاع نظامی قاعده‌مند و نظام‌مند نشده است. از این‌رو، می‌توان از این چارچوب تألیف‌شده با اندکی توسعه در مفهوم و مصداق در سایر حوزه‌ها و جبهه‌های غیرنظامی بهره گرفت.

دفاع مسلحانه به دو گونه‌ی دفاع عامل و دفاع غیرمسلحانه تقسیم می‌شود که در بخش دفاع غیرمسلحانه، پدافند غیرعامل را یکی از مهم‌ترین موارد آن محسوب می‌کنند که در پی آن یک ملت به‌دنبال برقراری و تأمین دفاعی خود و حفاظت از تجهیزات، منابع، زیرساخت‌ها و

سایر توانمندی نفهته در مراکز حیاتی و حساس خود بر می‌آید تا از این طریق، آسیب‌پذیری عاقلگیرانه‌ی خود را در تهاجم قدرت‌های متجاوز در امان نگه دارند. (عصاریان و حسنی، ۱۳۸۷)

دفاع عامل، دفاع در مقابل دشمن با به‌کارگیری سلاح‌ها، تجهیزات جنگی و تکنیک‌های رزمی به‌منظور از کار انداختن ماشین جنگی دشمن و نابودی آن است. (رستمی، ۱۳۷۸)

هر ملتی که از نیروی دفاع عامل ضعیف‌تری برخوردار می‌باشد و یا این‌که سطح توانمندی و اقتدار دشمن متجاوز را فراتر از توان دفاع عامل خود می‌بیند، به حکم عقل و تدبیر، وضعیت دفاعی غیرعامل خود را باید تقویت نماید تا آستانه‌ی مقاومت خود را افزایش دهد و هم‌چنان در برابر متجاوز از موجودیت خود مراقبت و محافظت نماید و از سلطه‌ی دشمن بر سرنوشت خود پیشگیری کند.

دفاع یا پدافند در برابر دشمن به دو صورت انجام می‌شود: روش اول، به‌صورت قهرآمیز و با استفاده از تجهیزات جنگی است؛ روش دوم، بدون استفاده از تجهیزات جنگی بلکه با استفاده از عوارض طبیعی، پناهگاه‌ها، استتار، اختفا، فریب و نیرنگ و سایر اموری که او را در برابر تهدیدات و صدمات ناشی از سلاح‌های دشمن و انفجارات حفظ نماید. (عصاریان و حسنی، ۱۳۸۷)

نوع اخیر دفاع که به دفاع غیرعامل تعبیر می‌شود، به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌گردد که مستلزم به‌کارگیری جنگ‌افزار و تسلیحات نیست و با اجرای آن می‌توان از وارد شدن خسارات مالی به تجهیزات و تأسیسات حیاتی، حساس، مهم نظامی و غیرنظامی و تلفات انسانی جلوگیری کرد و یا میزان خسارات و تلفات ناشی از حملات و بمباران‌های هوایی و موشکی دشمن را به حداقل ممکن کاهش داد. (موحدی نیا، ۱۳۸۶)

با توجه به تجارب موجود، پدافند عامل، نمی‌تواند به‌عنوان یگانه سامانه‌ی پدافندی کشور، اهداف امنیتی را تأمین نماید؛ زیرا هنگامی که طبل جنگ به صدا در می‌آید و مناطق حساس از قبیل ذخایر راهبردی سوخت و یا مواد غذایی، سدها، پل‌ها، کارخانجات مختلف، نیروگاه‌های برق، چاه‌های نفت، بندرگاه‌ها، صنایع نظامی، انبار و ذخایر تسلیحاتی، سیلوها، ایستگاه‌ها و مراکز مخابراتی، سایت‌های راداری، فرودگاه‌ها، پایگاه‌های هوایی، پادگان‌ها،

پالایشگاه‌ها و غیره که در نقاط مختلف کشور و یا بعضی از شهرها قرار دارند، قابل مراقبت و حفاظت با تعداد معدودی از تجهیزات پدافندی که حتی بعضی از آنها نیز برای حفاظت از خود نیاز به رینگ پدافندی ویژه دارند، نمی‌باشند. (عصاریان و حسنی، ۱۳۸۷)

پدافند غیرعامل، قبل از بروز جنگ باید برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا شده و در حقیقت به بهره‌برداری رسیده باشد. در این صورت است که مردم و نظام حاکم می‌توانند با اعتماد به نفس بیش‌تری به احقاق حقوق خود در عرصه‌ی سیاست‌ها و روابط بین‌المللی بپردازند و با ایجاد بازدارندگی موجب تجدیدنظر قدرت‌های برتر و دشمنان در به‌کارگیری طرح‌های تهاجمی و براندازی شوند.

هم‌اکنون برنامه‌های پدافند غیرعامل و دفاع غیرنظامی بر اساس عهدنامه‌ی سال ۱۹۴۹ ژنو در سال ۱۹۹۷ به‌عنوان یک کنوانسیون بین‌المللی مورد توافق صد کشور جهان قرار گرفته است. هم‌چنین سازمان‌های بین‌المللی و ناحیه‌ای در این مورد وجود دارند. از آن جمله سازمان دفاع غیرعامل بین‌المللی با ستاد مرکزی خود در ژنو، دفتر سازمان ملل متحد برای تسکین مصائب، سازمان بین‌المللی کمک فوری به مردم غیرنظامی ناحیه‌ی کارائیب، سازمان دفاع غیرعامل در ناحیه‌ی آند آمریکای جنوبی می‌توان نام برد. (عصاریان و حسنی، ۱۳۸۷)

فارغ از اهداف و اصول دفاع غیرعامل که به دلیل ماهیت تخصصی نظامی آن، مدخلیتی در بحث ندارد، ویژگی‌های این نوع دفاع حائز اهمیت است. اولین ویژگی که پیش‌تر به آن اشاره شد، طراحی و برنامه‌ریزی پیش از وقوع تهاجم است. ویژگی دوم حائز اهمیت این نوع دفاع، صرفه‌ی اقتصادی است. دفاع غیرعامل ضمن حفظ ثروت‌ها و دارایی‌های کشور، به مراتب ارزان‌تر و کم‌هزینه‌تر از دفاع عامل است. ویژگی مهم دیگری که این نوع دفاع دارد، قدرت بازدارندگی آن است.

نوام چامسکی قبل از وقوع جنگ اخیر عراق در مقایسه میان عراق و کره‌ی شمالی می‌گوید: «به‌نظر می‌رسد به واسطه‌ی بی‌دفاع بودن عراق، تهاجم به این کشور با موفقیت انجام می‌شود.» اگر کره‌ی شمالی و عراق را با هم مقایسه کنیم، عراق بی‌دفاع‌ترین و ضعیف‌ترین

رژیم منطقه است، در حالی که یکی از مخوف‌ترین دیکتاتورها در آنجا حکومت می‌کند. در مقابل، کره‌ی شمالی یک تهدید به حساب می‌آید و به یک دلیل ساده به آن حمله نمی‌شود؛ زیرا کره‌ی شمالی از یک عامل بازدارنده‌ی قوی برخوردار است؛ یعنی توپخانه‌ی عظیمی که سئول را هدف گرفته است. در صورتی که آمریکا به این کشور حمله کند، کره‌ی شمالی می‌تواند قسمت زیادی از کره‌ی جنوبی را نابود کند. به عبارت دیگر، آمریکا به کشورهای دنیا می‌گوید: "اگر بی‌دفاع هستید، ما هر زمان که دلمان بخواهد، به شما حمله می‌کنیم و اگر سدی دارید، ما عقب‌نشینی می‌کنیم."^۱

هم‌چنین دفاع غیرعامل، به دلیل بالا بردن توان نظامی کشور و کنترل‌کنندگی اوضاع پشت جبهه، سبب به‌وجود آمدن تأثیرات روحی- روانی مثبت در شهروندان و رزمندگان می‌شود. (موحدی‌نیا، ۱۳۸۶) علاوه بر این، نوع دفاع با نگاه بشردوستانه و انسانی دین مبین اسلام، سازگاری بیش‌تری دارد و می‌توان آن را از تعالیم خداوند به انسان به‌شمار آورد.^۲

با در نظر گرفتن مفهوم آسیب و تهدید و نگاهی عمیق به مفهوم دفاع غیرعامل به‌راحتی می‌توان وسعت این مفهوم و کاربرد آن در سایر ابعاد زندگی اجتماعی و حتی زیستی بشر ملاحظه نمود. به‌جز دفاع عامل که مفهومی نظامی دارد، هر نوع اقدام پیشگیرانه‌ای را می‌توان به دفاع غیرعامل تعبیر کرد. حتی دفاع غیرعامل به مفهوم نظامی آن اقداماتی غیرمسلحانه و پیشگیرانه هستند که جهت جلوگیری از تجاوز دشمن نظامی به‌کار گرفته می‌شوند. با اختصاص دفاع عامل به پارادایم نظامی، تمام سایر اقدامات دفاعی و پیشگیرانه‌ی بشری در ابعاد مختلف نوعی دفاع و پدافند غیرعامل است. در بعد حیاتی، زمانی که انسان با فراهم کردن پوشش و لباس مناسب از ابتلا به بیماری و ویروس سرماخوردگی پیشگیری می‌کند، در واقع به نوعی پدافند غیرعامل مبادرت نموده است. برخی از شاخه‌های علمی نوین با این توسعه‌ی مفهومی در واقع نوعی دفاع غیرعامل را

۱ - به نقل از فارس نیوز از نشریه‌ی پدافند غیرعامل، شماره‌ی یک.

۲ - اشاره به سوره‌ی انبیا، آیه‌ی ۸۰ به نقل از (موحدی‌نیا، ۱۳۸۶).

عملیاتی می‌نمایند. از این نمونه می‌توان به مدیریت خطرپذیری اشاره کرد که در صدد کمینه کردن اثرات منفی بر روی پروژه و یا فعالیت اقتصادی است؛ اقداماتی که در این زمینه انجام می‌شود، به راحتی تحت پارادایم دفاع غیرعامل قابل تفسیر است. بنابراین، می‌توان این توسعه در مفهوم دفاع غیرعامل را پذیرفت که به صورت عام می‌توان آن را به معنای هر اقدام پیشگیرانه که باعث کاهش آسیب‌پذیری می‌شود، قلمداد نمود.

اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی

با پذیرش شرایط جنگی و توجه به مفهوم جنگ اقتصادی و هم‌چنین مفهوم توسعه‌یافته‌ی دفاع غیرعامل، می‌توان اقتصاد مقاومتی را ترجمان دفاع غیرعامل اقتصادی تعریف کرد. با گرده برداری از دفاع غیرعامل با مفهوم نظامی، برای عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی باید بر روی سه عنصر اصلی نقاط ضعف و آسیب‌پذیر اقتصاد، اقدامات خصمانه‌ی اقتصادی دشمن و ابزارها و فرصت‌های مناسب جهت دفاع غیرعامل تمرکز کرد. در ادامه با استفاده از این چارچوب تحلیلی فراهم‌شده، الگویی عملیاتی در جهت اجرای اقتصاد مقاومتی ارائه می‌شود.

الگوی عملیاتی پیشنهادی، با تکیه بر عنصر زمان و ضرورت اقدام، سه سطح برنامه‌ریزی را پیشنهاد می‌کند که در هر سه سطح بر روی سه عنصر اصلی یادشده تمرکز دارد:

(۱) سطح یک: دفاع غیرعامل اقتصادی کوتاه‌مدت؛

(۲) سطح دو: دفاع غیرعامل اقتصادی میان‌مدت؛

(۳) سطح سه: دفاع غیرعامل اقتصادی بلندمدت.

لازم است سه عنصر اصلی دفاع غیرعامل در سه سطح ارائه‌شده، شناسایی و اولویت‌بندی شوند و بعد از بهینه‌سازی اجرا گردند. جدول شماره‌ی ۱، ماتریس حاصل ضرب سه سطح در سه عنصر اصلی است که توصیف شماتیک مناسبی از الگوی عملیاتی اقتصاد مقاومتی را ارائه می‌دهد. درایه‌های این ماتریس اقدامات لازم برای عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی هستند.

جدول شماره ۱ - الگوی عملیاتی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر مفهوم دفاع غیرعوامل اقتصادی

عناصر اصلی دفاع غیرعوامل اقتصادی				
ابزارها و فرصت‌های مناسب برای دفاع غیرعوامل اقتصادی	اقدامات خصمانه اقتصادی دشمن	نقاط ضعف و آسیب‌پذیر اقتصاد		
ابزارهای مدیریت و دفاع در کوتاه‌مدت	گمانه‌زنی اقدامات احتمالی دشمن در کوتاه‌مدت	شناسایی نقاط ضعف و آسیب‌پذیر کوتاه‌مدت	سطح یک: دفاع غیرعوامل اقتصادی کوتاه‌مدت	
	گمانه‌زنی اقدامات احتمالی دشمن در میان‌مدت	شناسایی نقاط ضعف و آسیب‌پذیر میان‌مدت		
	گمانه‌زنی اقدامات احتمالی دشمن در بلندمدت	شناسایی نقاط ضعف و آسیب‌پذیر بلندمدت		
سطح دو: دفاع غیرعوامل اقتصادی میان‌مدت	سطح سه: دفاع غیرعوامل اقتصادی بلندمدت	سطح برنامه‌ریزی		

همان‌طور که در ماتریس نشان داده شده است؛ اولین اقدام شناسایی نقاط ضعف و آسیب‌پذیر اقتصاد است که باید در سه سطح‌بندی (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت) شناسایی شوند. منطق طبقه‌بندی نقاط ضعف و آسیب‌پذیر در سطوح سه‌گانه‌ی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در فاز شناسایی، ناظر به تهدیدی است که از ناحیه‌ی آن نقطه ضعف و آسیب‌پذیر، متوجه اقتصاد کشور است. در واقع، در این فاز بعد از شناسایی نقاط ضعف و آسیب‌پذیر، تهدیدهای ناظر بر آنها، باید در سه سطح دسته‌بندی شوند.

فاز دوم گمانه‌زنی در خصوص اقدامات خصمانه احتمالی دشمن است. این گمانه‌ها در خصوص اقدامات احتمالی نیز باید در این سه سطح طبقه‌بندی شوند. پر واضح است که منطق دسته‌بندی در خصوص اقدامات احتمالی متکی به عنصر زمان است. اقدامات احتمالی با تقدم و تأخر زمانی محتمل‌شان باید در سطوح سه‌گانه طبقه‌بندی شوند و با استفاده از رصدهای اطلاعاتی اقتصادی آزمون شوند و نهایتاً با الویت احتمال اقدام، در سه سطح (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت) دسته‌بندی شوند.

بعد از دو فاز اول و دوم که می‌توان به صورت عام فاز شناخت نامید، نوبت به فاز برنامه‌ریزی و اقدام می‌رسد. در این فاز باید فرصت‌ها، ابزارها و راهکارهای مقابله با تهدیدهای شناسایی‌شده در فاز اول و دوم با دقت و توجه شناسایی شوند. بعد از شناسایی فرصت‌ها و راهکارها، باید در جهت اجرای آنها برنامه‌ریزی‌های دقیق صورت گیرد. با اجرای این سه فاز در واقع عملیات‌های مختلف پدافندی اقتصادی طراحی و آماده‌ی اجرا می‌شوند. از این فاز به بعد نوبت افسران اجرایی اقتصاد مقاومتی است که با اجرای عملیات‌های پدافندی اقتصادی پرداخته و دشمن را زمین‌گیر نمایند و او را از رسیدن به اهداف شوم خود ناامید نمایند.

این سه فاز ضمن داشتن ارتباط تنگاتنگ و پیوستگی کامل، تناظر یک به یک بین عناصرشان وجود ندارد و به صورت یک برنامه‌ی منسجم عمل می‌کنند. به این معنا که لازم نیست تهدید کوتاه‌مدت شناسایی‌شده، لزوماً راه‌حل کوتاه‌مدت یا اقدام کوتاه‌مدت احتمالی دشمن را نیز به همراه داشته باشد، یا با استدلالی مشابه لازم نیست تمام تهدیدهای بلندمدت راه‌کاری بلندمدت داشته باشند. همچنین هر یک از فازها به ترتیب مقدمه‌ای برای مرحله و فاز بعدی است. از این رو، پیوستگی و لزوم هماهنگی فازهای مختلف و چک لیست‌های الگو، از اساسی‌ترین بایسته‌های اجرای این الگو می‌باشد.

با عنایت به الگوی پیشنهادی می‌توان اقتصاد مقاومتی را که تعبیر به دفاع غیرعامل اقتصادی شده بود، به مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ از ابزارها و روش‌های مختلف شناسایی‌شده و طبقه‌بندی نقاط ضعف و آسیب‌پذیر اقتصاد، گمانه‌زنی اقدامات احتمالی خصم اقتصادی و برنامه‌ریزی و مدیریت و طراحی پدافند مناسب اقدامات و تهدیدات شناسایی‌شده تعریف کرد.

مطالعه‌ی موردی

در این بخش به سه نمونه‌ی اقتصادی و کاربرد الگوی عملیاتی در خصوص آنها اشاره می‌شود. به این منظور، سه مسأله‌ی اقتصادی با توجه به سه سطح پیشنهادی به صورت خلاصه مورد بررسی قرار گرفته است. این سه نمونه در واقع سه نقطه ضعف یا نقطه‌ی آسیب‌پذیر

اقتصاد کشور است که می‌تواند محملی برای اقدامات خصمانه‌ی دشمن اقتصادی در افق‌های زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت باشد و به فراخور ضروری است تا اقدامات پیش‌گراانه و دفاعی در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت طراحی گردد. با توجه به این‌که این بخش صرفاً به‌منظور فراهم‌کردن ایضاح مفهومی و نشان‌دادن کاربرد الگوی پیشنهادی صورت گرفته است؛ روش‌شناسی استخراج نقاط ضعف و آسیب‌پذیر، اقدامات خصمانه‌ی دشمن اقتصادی و ابزارها و فرصت‌های مناسب برای دفاع غیرعامل اقتصادی بر اساس مطالعه‌ی اسناد و تجربیات سابق بوده است. بنابراین، می‌توان الگوی پیشنهادی را در خصوص سه نمونه‌ی یادشده در جدول شماره ۲ خلاصه کرد:

جدول شماره ۲ - الگوی عملیاتی اقتصاد مقاومتی - مطالعه‌ی موردی

عناصر اصلی دفاع غیرعامل اقتصادی			سطوح برنامه ریزی
ابزارها و فرصت‌های مناسب برای دفاع غیرعامل اقتصادی	اقدامات خصمانه‌ی اقتصادی دشمن	نقاط ضعف و آسیب‌پذیر اقتصاد	
۱- افزایش ضریب هوشیاری، قدرت پیش‌بینی، سناریوسازی ۲- سیاست‌گذاری دقیق‌تر پولی و مالی ۳- استفاده‌ی مؤثر از اهرم صادرات در ایجاد درآمد و محرک اقتصاد ۴- استفاده از ائتلاف‌های راهبردی ۵- هوشمندی در تجارت نفت ۶- بهره‌گیری از فرصت‌های زمان صلح	۱- تشدید تحریم‌ها ۲- اختلال در بازار ارز و تشویق سوداگری و ایجاد عوامل اختلال ۳- بهره‌گیری از اثر سوء تأثیر عامل	۱- نظام نرخ از ۲- ساختار صادرات ۳- وابستگی به نفت	سطح یک: دفاع غیرعامل اقتصادی کوتاه‌مدت
۱- افزایش ضریب هوشیاری، قدرت پیش‌بینی، سناریوسازی ۲- سیاست‌گذاری دقیق‌تر پولی و مالی ۳- استفاده مؤثر از اهرم صادرات در ایجاد درآمد و محرک اقتصاد	۱- ایجاد رقیب و فضای سخت رقابتی ۲- تهدید تحریم و استفاده ابزاری	۱- نظام نرخ از ۲- ساختار صادرات ۳- وابستگی به نفت	سطح دو: دفاع غیرعامل اقتصادی میان‌مدت

<p>۴- استفاده از ائتلاف‌های راهبردی</p> <p>۵- بازنگری در ساختار صادرات</p> <p>۶- افزایش صادرات با فناوری بالا</p> <p>۷- کاهش وابستگی به نفت</p> <p>۸- هوشمندی در تجارت نفت</p> <p>۹- بهره‌گیری از فرصت‌های زمان صلح</p>	<p>۳- تحریم نفت</p> <p>۴- بهره‌گیری از</p> <p>ثر سوء تأثیر عامل</p>		
<p>۱- افزایش ضریب هوشیاری، قدرت پیش‌بینی، سناریوسازی</p> <p>۲- سیاست‌گذاری دقیق‌تر پولی و مالی</p> <p>۳- افزایش صادرات با فن‌آور بالا</p> <p>۴- استفاده از ائتلاف‌های استراتژیک</p> <p>۵- بازنگری در ساختار صادرات</p> <p>۶- کاهش وابستگی به نفت</p> <p>۷- هوشمندی در تجارت نفت</p> <p>۸- بهره‌گیری از فرصت‌های زمان صلح</p> <p>۹- برنامه‌های خروج از وابستگی نفت</p>	<p>۱- تحریم نفت</p> <p>۲- بهره‌گیری از</p> <p>ثر سوء تأثیر عامل</p>	<p>۱- نظام نرخ از</p> <p>۲- ساختار صادرات</p> <p>۳- وابستگی به نفت</p>	<p>سطح سه: دفاع غیرعامل اقتصادی بلندمدت</p>

بحران ارزی سال ۱۳۹۱ - سطح کوتاه‌مدت

روند بحران ارزی از سال ۱۳۹۰ به صورت خفیف آغاز می‌شود، به نحوی که در ۶ ماهه‌ی دوم سال، متوسط تفاوت نرخ ارز رسمی و بازار آزاد حدود ۴۲۰ تومان می‌گردد. در سال ۱۳۹۱ بحران ارزی به مرحله‌ی اوج خود می‌رسد، به طوری که در ۶ ماهه‌ی دوم همین سال متوسط تفاوت نرخ ارز رسمی و بازار آزاد به حدود ۱۸۵۰ تومان بالغ می‌شود. بنابراین، با توجه به این‌که وضعیت تراز پرداخت‌ها در کشور مثبت و مناسب بوده، ولی شکاف قیمتی بین نرخ ارز رسمی و بازار آزاد نیز افزایش داشته است.

در یک نگاه کلان می‌توان به سه عامل اصلی برای وقوع بحران ارزی در سال ۱۳۹۱

اشاره کرد:

- کاهش عرضه‌ی ارز؛
- افزایش تقاضای ارز؛
- اختلاف نرخ‌های تورم داخلی و خارجی.

کاهش عرضه‌ی ارز

کاهش عرضه‌ی ارز تحت تأثیر تشدید تحریم‌ها و البته با یک سیر قابل پیش‌بینی آغاز شد. محدودیت‌های خرید نفت از سوی اتحادیه‌ی اروپا، کره‌ی جنوبی و سایر کشورهای واردکننده‌ی نفت از ایران هم‌چون چین و هندوستان تحت تأثیر فشارهای آمریکا، درآمد ارزی ایران را تحت تأثیر قرار داد. نتیجه‌ی تحریم‌های نفتی، کاهش صادرات نفت و به تبع آن، کاهش درآمدهای نفتی ایران از اواخر سال ۱۳۹۰ و به‌ویژه در سال ۱۳۹۱ بود. با توجه به سهم بسیار بالای درآمدهای نفتی در درآمدهای ارزی کشور، مهم‌ترین منبع عرضه‌ی ارز در اقتصاد ایران با محدودیت‌های گسترده‌ای مواجه شد.

تحریم نهادهای مالی عامل تشدید محدودیت نرخ ارز شد. تشدید تحریم‌های مالی با مسدود شدن حواله‌های ارزی کشور امارات از سال ۱۳۸۹ آغاز گردید و با تحریم بانک مرکزی، اختلال در روند انتقال درآمدهای ارزی به کشور شدت پیدا کرد. تحریم بانک مرکزی و سایر محدودیت‌های دیگر زمینه‌ساز وقوع بحران ارزی کاهش عرضه‌ی ارز گردید.

افزایش تقاضای ارز

به موازات کاهش در عرضه‌ی ارز، در بخش تقاضا نیز افزایش کاذب به‌وجود آمد. هنگامی که وضعیت تراز پرداخت‌ها مثبت باشد، بازار ارز می‌تواند تقاضای واقعی و متعارف برای ارز جهت واردات کالا را تأمین نماید، اما در پی تحریم بانک مرکزی، به‌رغم وضعیت مناسب تراز پرداخت‌ها، عدم تعادل در عرضه و تقاضای ارز به‌وجود آمد. در این شرایط، فعالیت‌های سوداگرایانه و سفته‌بازی در بازار ارز، افزایش پیدا کرد و تقاضا برای ارز دچار افزایش کاذب شد و عدم تعادل در عرضه و تقاضا تشدید گردید.

هم‌چنین شوک روانی تحریم بانک مرکزی، افزایش نرخ تورم و غیره، زمینه‌ساز ایجاد انگیزه‌ی فراوان برای تبدیل پول ملی به ارز نزد مردم شد. هنگام ظهور و بروز شوک روانی به مؤلفه‌های اقتصادی، معمولاً آحاد جامعه خواهان تبدیل پس‌انداز خود به دارایی‌های با ارزش و با قدرت نقدشوندگی بالا می‌گردند. یکی از بازارهایی که می‌توانست این خواسته را تأمین کند و از این ویژگی‌ها برخوردار باشد، بازار ارز و سکه بود.

بانک مرکزی با سیاست‌گذاری‌هایی هم‌چون کاهش نرخ سود و سپرده، ممنوعیت بازخرید اوراق مشارکت قبل از سررسید توسط بانک‌های عامل، نرخ سود پائین برای اوراق مشارکت که در ابتدای سال ۱۳۹۰ اتخاذ کرده بود، موجب عدم رونق بازار سپرده‌های بانکی گردید. این امر به انتقال منابع و نقدینگی قابل توجه از بانک‌ها به سایر بازارها هم‌چون بازار ارز شد. افزایش نقدینگی در بازار ارز به تقاضای کاذب و سپس افزایش نرخ ارز انجامید.

اختلاف نرخ‌های تورم داخلی و خارجی

تثبیت نرخ رسمی ارز هر گاه توأم با وجود اختلاف نرخ تورم داخلی با نرخ بین‌المللی باشد، فشار شکننده‌ای را برای تغییر نرخ ارز به وجود می‌آورد؛ چرا که با افزایش نرخ تورم داخلی و تشدید شکاف نرخ تورم داخلی با نرخ بین‌المللی، نرخ واقعی ارز کاهش می‌یابد. کاهش نرخ واقعی ارز زمینه‌ساز عدم تعادل‌های مختلفی در اقتصاد کلان می‌شود. وضعیت افزایش نرخ ارز در طی دهه‌های پیشین که همواره بعد از یک دوره تثبیت دچار جهش شده است، نمونه‌ی تأییدی این گزاره می‌باشد. این وضعیت در سال ۱۳۹۱ نیز اتفاق افتاد و نرخ ارز به شدت تغییر یافت و افزایش پیدا کرد. کارشناسان معتقدند اگر حتی تحریم‌ها نیز تشدید نمی‌شدند، کارکرد این مؤلفه موجب افزایش نرخ ارز در طی سال‌های ۹۳-۱۳۹۲ می‌گردید.

با عنایت به تحلیل فوق می‌توان با استفاده از الگوی عملیاتی پیشنهادی، نقاط آسیب‌پذیر، اقدامات خصمانه‌ی اقتصادی دشمن و راهکارها را به صورت خلاصه در جدول شماره‌ی ۳ خلاصه نمود:

جدول شماره ۳ - الگوی عملیاتی اقتصاد مقاومتی - مورد مطالعه نرخ ارز

عناصر اصلی دفاع غیرعامل اقتصادی			
نقاط ضعف و آسیب‌پذیر اقتصاد	اقدامات خصمانه‌ی اقتصادی	ابزارها و فرصت‌های مناسب برای دفاع غیرعامل اقتصادی	
۱- آسیب‌پذیری عرضه‌ی ارز ۲- ضعف در مدیریت بازار و شوک روانی ۳- تورم	۱- تشدید تحریم‌ها ۲- اختلال در بازار ارز و تشویق سوداگری و ایجاد عوامل اختلال	۱- افزایش ضریب هوشیاری، قدرت پیش‌بینی، سناریوسازی ۲- سیاست‌گذاری دقیق‌تر پولی و مالی	بحران ارزی سال ۱۳۹۱

همان‌طور که در جدول شماره ۳ نمایش داده شده است، می‌توان با استفاده از تحلیل‌های اقتصادی، راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی را در خصوص نمونه‌های اقتصادی در کوتاه‌مدت به کار گرفت و از ابزارهای در اختیار استفاده کرد. برای نمونه، همان‌طور که در جدول شماره ۳ نیز اشاره شده است، در خصوص مورد مطالعه اگر سیاست‌های دقیق‌تر پولی و بانکی لحاظ می‌شد، دامنه‌ی اثر بحران ارزی کاهش چشم‌گیری می‌داشت. یکی از عوامل مهمی که آثار، دامنه و ابعاد بحران ارزی را افزایش داد، به سیاست‌های پولی بانک مرکزی باز می‌گشت. بدین معنا که بانک مرکزی در آغاز سال ۱۳۹۰ و در شرایط تورمی، نسبت به کاهش نرخ سود سپرده اقدام کرد و هم‌چنین در جهت تغییر نرخ سود اوراق مشارکت و ... تلاشی صورت نداد. این قبیل سیاست‌ها، موجب خارج‌سازی سپرده‌ها از بانک‌ها شد و نقدینگی فراوانی را روانه‌ی بازار سکه و ارز نمود. این وضعیت به افزایش کاذب تقاضای ارز انجامید و قیمت آن را افزایش داد. جالب آن‌که بعد از افزایش تقاضای کاذب نسبت به سکه و ارز و افزایش قیمت آنها در بازار، سیاست‌گذاران پولی در اواخر آن سال، نسبت به افزایش تغییر نرخ سود سپرده و اوراق مشارکت اقدام کردند. افزایش نرخ سود سپرده و اوراق مشارکت را باید از جمله تدابیر ساماندهی «بازارهای جایگزین» محسوب نمود که در مهار تقاضای کاذب بازار ارز و سکه نقش داشتند، اما این راهبرد بعد از ائتلاف زمان و فرصت مناسب اتخاذ گردید.

ساختار صادرات - سطح میان مدت

جدول شماره‌ی ۴ خلاصه‌ای از وضعیت صادرات کشور را طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ را به تفکیک سه گروه کالایی نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی ۴ - وضعیت صادرات ایران به تفکیک گروه‌های کالایی (۱۳۸۱-۱۳۹۱) - ارقام میلیارد دلار

(منبع: سازمان توسعه‌ی تجارت ایران)

سال	سرمايه‌اي	مصرفي	واسطه‌اي	طبقه‌بندي نشده	کل واردات
۱۳۸۱	ارزش	۹.۷	۲.۹	۹.۸	۲۲.۳
	درصد	۴۳.۴	۱۲.۸	۴۳.۸	۱۰۰.۰
۱۳۸۲	ارزش	۱۱.۳	۳.۲	۱۲.۲	۲۶.۶
	درصد	۴۲.۳	۱۲.۰	۴۵.۷	۱۰۰.۰
۱۳۸۳	ارزش	۱۶.۷	۳.۸	۱۲.۱	۳۵.۴
	درصد	۴۷.۳	۱۰.۸	۳۴.۳	۱۰۰.۰
۱۳۸۴	ارزش	۸.۳	۵.۲	۲۶.۲	۳۹.۸
	درصد	۲۱.۰	۱۳.۱	۶۵.۹	۱۰۰.۰
۱۳۸۵	ارزش	۷.۴	۶.۰	۲۸.۳	۴۱.۷
	درصد	۱۷.۷	۱۴.۵	۶۷.۸	۱۰۰.۰
۱۳۸۶	ارزش	۷.۶	۵.۸	۳۲.۰	۴۸.۴
	درصد	۱۵.۶	۱۲.۰	۶۶.۰	۱۰۰.۰
۱۳۸۷	ارزش	۹.۲	۷.۱	۳۷.۴	۵۵.۸
	درصد	۱۶.۴	۱۲.۸	۶۷.۰	۱۰۰.۰
۱۳۸۸	ارزش	۸.۱	۸.۴	۳۶.۶	۵۵.۲
	درصد	۱۴.۷	۱۵.۳	۶۶.۲	۱۰۰.۰
۱۳۸۹	ارزش	۷.۵	۴.۹	۳۱.۸	۵۸.۱
	درصد	۱۳.۰	۸.۰	۵۵.۰	۱۰۰.۰
۱۳۹۰	ارزش	۹.۳	۶.۵	۳۴.۴	۶۱.۸
	درصد	۱۵.۱	۱۰.۶	۵۵.۷	۱۰۰.۰
۱۳۹۱	ارزش	۶.۵	۵.۵	۲۸.۶	۵۳.۳
	درصد	۱۲.۰	۱۰.۰	۵۴.۰	۱۰۰.۰

همان‌طور که مشاهده می‌شود، کالاهای سرمایه‌ای در سال ۱۳۸۱ دارای ارزش ۹.۷ میلیارد دلار و ۴۳ درصد از کل واردات بوده، ولی در سال ۱۳۹۱ به ۶.۵ میلیارد دلار کاهش یافته و تنها ۱۲ درصد از کل واردات کشور را به خود اختصاص داده است. این امر در حالی است که میزان و سهم کالاهای مصرفی در سال ۱۳۸۱ به میزان ۲.۹ میلیارد دلار و ۱۲.۸ درصد از کل واردات و در سال ۱۳۹۱ به میزان ۵.۵ میلیارد دلار و ۱۰ درصد از کل واردات را شامل می‌شود که این ارقام در سال ۱۳۸۸ به ۸.۴ میلیارد دلار و ۱۵.۳ درصد از کل واردات رسیده است.

علاوه بر این، ضعف ساختاری، سبب صادراتی کشور شامل کالاهایی است که دارای ارزش افزوده محدود بوده و دارای اثرگذاری چشم‌گیری در روند رشد اقتصادی پایدار نمی‌باشد. میزان ارزش «سرفصل‌های» کلان صادراتی و همچنین سهم هر یک از آنها در کل سبب صادرات کشور در جدول شماره ۵ نشان داده شده است:

جدول شماره ۵ - میزان ارزش صادراتی به تفکیک بخش‌ها (۱۳۸۴-۱۳۹۲)

(گمرک و سازمان توسعه‌ی تجارت ایران)

عنوان	هفت ماه نخست ۱۳۹۲		سال ۱۳۹۱		سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۸۹		سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۸۴	
	ارزش	درصد	ارزش	درصد	ارزش	درصد	ارزش	درصد	ارزش	درصد	ارزش	درصد
صنعت	۷.۹	۳۸	۱۴.۸	۳۶	۱۲.۰	۲۷	۱۰.۰۰	۲۹	۵.۱۰	۳۵	۴.۳۱	۴۰
پتروشیمی	۵.۶	۲۷	۱۰.۱	۲۴	۱۵.۰	۳۴	۹.۷۰	۲۹	۶.۱۱	۴۲	۳.۷۴	۳۵
میعانات گازی	۳.۹	۱۹	۸.۹	۲۱	۱۰.۲	۲۳	۷.۴۰	۲۲				
کشاورزی	۱.۶	۸	۴.۲	۱۰	۳.۷	۸	۳.۷۰	۱۱	۲.۰۷	۱۴	۱.۶۵	۱۵
معادن	۱.۸	۹	۲.۹	۷	۲.۵	۶	۲.۶۰	۸	۰.۸۵	۶	۰.۴۴	۴
فرش و صنایع دستی	۰.۱	۰	۰.۵	۱	۰.۶	۱	۰.۶۰	۲	۰.۵۳	۴	۰.۶۴	۶
تجارت چمدانی	۰.۰۳	۰	۰.۱	۰	۰.۱	۰	۰.۱۰	۰	۰.۰۵	۰	۰.۰۴	۰
جمع	۲۰.۹	۱۰۰	۴۱.۴	۱۰۰	۴۴.۰	۱۰۰	۳۴.۰۰	۱۰۰	۱۴.۷۱	۱۰۰	۱۰.۸۲	۱۰۰

همان‌گونه که در جدول بالا مشخص است، محصولات پتروشیمی و میعانات گازی در سال ۱۳۹۱ به ترتیب ۲۴ و ۲۱ درصد و در مجموع ۴۵ درصد از کل صادرات را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که سهم مجموع آنها در سال ۱۳۸۴، ۳۵ درصد بوده است. به‌علاوه سهم محصولات کشاورزی در سال ۱۳۹۱، ۱۰ درصد از کل صادرات بود که این رقم در سال ۱۳۸۴، ۱۵ درصد بوده است. در مورد محصولات معدنی نیز، سهم این محصولات در سال ۱۳۹۱، ۷ درصد بوده که این رقم در سال ۱۳۸۴، ۴ درصد بوده است. در مجموع می‌توان گفت که سهم محصولات پتروشیمی، میعانات گازی، کشاورزی و معدن، ۶۲ درصد از کل صادرات سال ۱۳۹۱ را تشکیل می‌دهند، در حالی که در سال ۱۳۸۴ این سهم، ۵۴ درصد بوده است.

از طرف دیگر، محصولات صنعتی که جزو کالاهای ساخته‌شده محسوب می‌شود و دارای ارزش افزوده بیش‌تری نسبت به دیگر سرفصل‌های کلان صادراتی می‌باشد، در سال ۱۳۹۱، ۳۶ درصد از کل صادرات را به خود اختصاص داده که این مقدار در سال ۱۳۸۴، ۴۰ درصد بوده است.

ضعف‌ها و آسیب‌ها

- (۱) یکی از نمادهای کیفیت مناسب صادرات کشورها، سهم قابل‌توجه «کالاهای ساخته‌شده»^۱ در صادرات کل است. متأسفانه یکی از کاستی‌های اساسی صادرات در ایران، سهم محدود «کالاهای ساخته‌شده» در صادرات کل است.
- (۲) صادرات «کالا با فناوری بالا» نشان‌دهنده‌ی عملکرد صنایع کشورها در تقسیم کار جهانی و توانمندی‌های رقابتی آن در سطح بین‌المللی می‌باشد. بنابراین، بالا بودن آن، نشان‌دهنده‌ی جهت‌گیری‌های سیاست‌های اقتصادی، صنعتی و تجاری کشورها را در حوزه‌ی فناوری می‌باشد. آنچه مشهود است، این موضوع است که در طی سال‌های اخیر، اقتصاد جهانی دارای رونق تجارت «کالاهای دارای فناوری بالا» بوده است. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۱۵، ارزش صادرات جهانی کالاها با فناوری بالا از مرز ۳۰۰۰ میلیارد

1 - Manufactured Goods

دلار فراتر برود. با این حال، سهم صادرات «کالا با فناوری بالا»، در صادرات کل ایران تنها بالغ بر ۴۰۰ و ۶۰۰ میلیون دلار در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ می‌شود. حال آن‌که صادرات مزبور برای کشورهای کره ی جنوبی، مالزی و هند در سال ۲۰۱۱ به ترتیب بالغ بر ۱۲۲، ۶۱ و ۱۲۹ میلیارد دلار گردیده است. (منبع: بانک جهانی)

۳) بخش قابل توجهی از صادرات کشور به صدور نفت خام اختصاص داشته و بخش مهم دیگر نیز شامل صادرات با منشأ منابع طبیعی و کشاورزی و مشتقات آنها می‌باشد. برای مثال، در سال ۲۰۱۱، در حالی که تنها ۹.۵ درصد از صادرات کل ایران از آن کالاهای ساخته شده است، ۷۲.۴ درصد صادرات ایران مربوط به «اولین گروه کالایی صادراتی» (نفت خام) می‌شود. این موضوع نشان‌دهنده ی وابستگی شدید اقتصاد و صادرات ایران به نفت می‌باشد.

با استفاده از الگوی عملیاتی پیشنهادی و مشابه مورد اول می‌توان نقاط آسیب‌پذیر، اقدامات خصمانه ی اقتصادی دشمن و راهکارها را به صورت خلاصه در جدول شماره ۶ خلاصه نمود:

جدول شماره ۶ - الگوی عملیاتی اقتصاد مقاومتی - مورد مطالعه ساختار صادرات

عناصر اصلی دفاع غیرعوامل اقتصادی			
نقاط ضعف و آسیب‌پذیر اقتصاد	اقدامات خصمانه ی اقتصادی دشمن	ابزارها و فرصت‌های مناسب برای دفاع غیرعوامل اقتصادی	
۱- تکیه بر نفت ۲- فناوری پایین کالاهای صادراتی ۳- سهم پایین کالای ساخته شده	۱- تحریم نفت ۲- ایجاد رقیب و فضای سخت رقابتی ۳- بهره‌گیری از اثر سوء تأثیر ناچیز صادرات در درآمد رزی و رشد اقتصادی	۱- بازنگری اساسی در ساختار صادرات ۲- کاهش وابستگی به نفت ۳- افزایش صادرات با فناوری بالا ۴- استفاده ی مؤثر از اهرم صادرات در ایجاد درآمد و محرک اقتصاد	صادرات

وابستگی شدید اقتصاد کشور به نفت - سطح بلندمدت

وابستگی شدید اقتصاد کشور به نفت از حادترین مسائل کشور است که علاوه بر جنبه‌ی اقتصادی، جنبه‌ی سیاسی، امنیتی و اجتماعی نیز دارد. در میان اقتصاددانان از اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ توجه ویژه‌ای به روند توسعه‌ی کشورهای دارای ذخایر طبیعی فراوان پیدا شد، زیرا پس از تکانه‌ی قیمتی نفت در جریان شوک اول نفتی در سال ۱۹۷۳، اندک‌اندک نشانه‌های کاهش رشد و یا تعمیق توسعه‌نیافتگی، در این کشورها پدیدار گشت. اگر اقتصادها را به سه دسته‌ی پردرآمد، با درآمد متوسط و کم درآمد تقسیم نماییم، کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان، در رده‌ی اقتصادهای کم درآمد یا متوسط قرار خواهند گرفت. عملکرد کشورهای مختلف برخوردار از منابع طبیعی نشان می‌دهد که این ثروت با دآورده می‌تواند هم آفریننده و هم مخرب باشد. برای مثال، ثروت حاصل از فروش نفت خام برای کشور توسعه‌یافته‌ای هم‌چون نروژ به مثابه موهبت و نعمت عمل کرده و به شکوفایی اقتصادی و افزایش رفاه مردم این کشور کمک کرده است. در عوض، این ثروت در کشورهای کم‌تر توسعه یافته‌ای از قبیل نیجریه، عراق، ونزوئلا و مانند اینها، به مثابه نوعی بلا عمل کرده و عملکرد سیاسی و اقتصادی آن را تحلیل برده است.

محاسبه‌ی میزان منابع نفتی در بودجه‌ی عمومی ایران، بر خلاف ظاهر ساده‌ی آن، کاری پیچیده است و نیاز به تسلط کافی بر لایه‌های تو در تو بودجه‌ی عمومی کشور دارد؛ به گونه‌ای که منابع نفتی بودجه‌ی عمومی نه در یک ردیف، بلکه در ردیف‌های متعدد و با نام‌های مختلف درج شده است. هم‌چنین قوانین متعددی در کشور وجود دارد که هر کدام مجوزی برای استفاده‌ی بخش دولتی از منابع نفتی صادر کرده‌اند و بدون توجه به آنها، تعیین میزان دقیق وابستگی بودجه به نفت امکان‌پذیر نیست. حساب ذخیره‌ی ارزی در کشور از سال ۱۳۷۹ آغاز به کار کرد که برداشت‌های دولتی از این حساب، چه در قالب بودجه‌ی عمومی و چه خارج از آن، درصد وابستگی بخش دولتی به نفت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر آن، در سال‌های برنامه‌ی چهارم توسعه، با طراحی سازوکار جدیدی برای رابطه‌ی مالی دولت و

شرکت ملی نفت ایران، مناسبات جدیدی بر اقتصاد ملی کشور حاکم شد و بودجه‌ی شرکت ملی نفت ایران از بودجه‌ی عمومی جدا شد و منابع اختصاص یافته به آن در سرجمع منابع عمومی کشور محسوب نشد. از سال ۱۳۸۹ نیز با تشکیل صندوق توسعه‌ی ملی، بخشی از منابع نفتی از بودجه‌ی عمومی جدا و در آن ذخیره گردید.

هرچند میزان وابستگی بودجه‌ری عمومی به درآمدهای نفتی از حدود ۷۰ درصد در سال ۷۹ به کم‌تر از ۵۰ درصد در سال‌های اخیر رسیده است که این کاهش وابستگی بودجه مرهون تشکیل صندوق توسعه‌ی ملی و افزایش درآمدهای غیرنفتی دولت به‌خصوص از طریق واگذاری شرکت‌های دولتی است، اما همچنان حجم وابستگی بسیار بالاست و در دهه‌ی اخیر حدود ده برابر شده است.^۱

ضعف‌ها و آسیب‌های وابستگی به نفت

یکی از تأثیراتی که وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی دارد، اثری است که بر نرخ ارز می‌گذارد. افزایش نرخ واقعی ارز، به‌عنوان یکی از نشانه‌های بیماری هلندی، رقابت‌پذیری تولیدات داخلی قابل صادرات را کاهش می‌دهد و به انبساط واردات و انقباض صادرات و در نتیجه، به از مزیت افتادن تولید در بخش‌های قابل تجارت می‌انجامد. این مساله علاوه بر این‌که باعث کاهش اشتغال می‌شود، از طرف دیگر، باعث می‌شود تا بنگاه‌هایی که فعالیت‌شان معطوف به عرضه‌ی کالاها در بازار داخلی است، به این نتیجه می‌رسند که اگر به‌جای تولید به امر واردات کالاها بپردازند مقرون به صرفه‌تر خواهد بود که به نوبه‌ی خود باعث تشدید کاهش تولید و اشتغال می‌شود.

اگر دلارهای نفتی به پول محلی تبدیل شده و صرف تأمین مالی هزینه‌های جاری دولت بشود که به‌صورت تقاضای بیش‌تر برای بخش غیرتجارتی در می‌آید که این پیامدها به رفتار

۱ - برای مطالعه‌ی بیش‌تر به منبع زیر مراجعه شود:

پله‌فروش، میثم (۱۳۹۱)، رد پای نفت در بودجه، فصلنامه‌ی تازه‌های اقتصاد، شماره‌ی ۱۳۶، تابستان ۱۳۹۱، صص ۴۸-۴۹.

دولت با نرخ ارز بستگی دارد. در اینجا دو حالت نرخ ریال به دلار ثابت و شناور، قابل بررسی است. اگر نرخ ارز ثابت بماند، تبدیل دلارهای نفتی به پول محلی باعث افزایش عرضه‌ی پول داخلی (نقدینگی) شده و افزایش تقاضا برای محصولات بخش غیرتجارتی باعث افزایش تورم می‌شود. نتیجه‌ی نهایی در این وضعیت، بالارفتن ارزش واقعی ریال است؛ یعنی هر دلار در زمانی که ارزش ریال به آن ثابت است، ولی قیمت‌های داخلی افزایش می‌یابد، قدرت خرید کم‌تری در اقتصاد خواهد داشت. اگر نرخ ارز شناور باشد، افزایش عرضه‌ی دلار باعث بالارفتن ارزش ریال خواهد شد و به‌جای افزایش تورم، ارزش ریال بیش‌تر می‌شود. در هر دو حالت، بیش‌تر شدن ارزش ریال - چه ارزش واقعی و یا ارزش اسمی - توان رقابتی بخش صادرات غیرنفتی را در بازارهای دیگر کاهش می‌دهد.

در نتیجه وابستگی به نفت، عوامل تولید مخصوصاً سرمایه و کار از بخش صادرات غیرنفتی به بخش نفت و بخش غیرتجارتی سرازیر می‌شوند و کاهش فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی در بخش صادرات غیرنفتی تشدید می‌شود. این تغییر و تحول چشم‌گیر، امکانات بلندمدت اقتصاد را برای رشد و توسعه کاهش می‌دهد، چرا که بخشی از سرمایه‌ی انسانی کارگران در این میانه تلف می‌شود.

وابستگی به نفت باعث عقب‌گرد صنعتی^۱ و عقب‌گرد کشاورزی^۲ می‌شود. در واقع، در پی کاهش درآمدهای نفتی مثلاً به دلیل تنزل بهای نفت دولت‌ها از دامنه‌ی اقدامات حمایتی خود کم می‌کنند و در نتیجه، تولیدکنندگان داخلی در شرایط ضعف به رقابت دشوارتر در بازار جهانی کشانده می‌شوند. نتیجه‌ی این امر، ورشکستگی و تعطیلی صنایع و از مزیت افتادن فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی خواهد بود.

با عنایت به آسیب‌پذیری بسیار بالای اقتصاد از وابستگی شدید اقتصاد کشور و بودجه‌ی عمومی به نفت، بدیهی است توجه ویژه‌ای از سوی دشمن اقتصادی به این مسأله وجود داشته

1 - deindustrialization

2 - deagricturalization

باشد. این مورد و موارد این چنینی که معمولاً حل آنها در افق زمانی کوتاه‌مدت امکان ندارد، به‌صورت چاشنی و اهرم‌های حمایتی برای ضربه‌زدن به سایر بخش‌ها و کارکردهای اقتصاد، مورد استفاده‌ی طراحان هجمله‌های اقتصادی قرار می‌گیرد. معمولاً طرح‌هایی که با استفاده از چاشنی قراردادن یکی از مشکلات مزمن و حاد کشور هم‌چون وابستگی شدید به نفت طراحی شده‌اند، اثرات مخرب بیش‌تری بر اقتصاد کشور داشته‌اند.

مسئله‌ی وابستگی به نفت و کاهش آن از اوایل پیروزی انقلاب اسلامی مطرح بوده است، ولی تاکنون به‌عنوان یک مسئله‌ی حاد باقی مانده است. اقتصاددانان زیادی در خصوص خروج از این وابستگی نظریه‌پردازی نموده‌اند، ولی تاکنون توفیقی زیادی حاصل نشده است. هرچند حل این مسئله‌ی حاد نیازمند زمان است، ولی نباید غافل ماند که دشمن از این فرصت استفاده می‌کند و همان‌گونه که در تحریم‌های اخیر نیز استفاده کرد، هر زمان به نفع باشد، آنها را تشدید خواهد نمود. از این‌رو، لازم است در کوتاه‌مدت نیز راهکارهایی برای مقابله فراهم کرد. اگر به لحاظ ساختاری نمی‌توان وابستگی را در کوتاه‌مدت کم کرد یا از بین برد، و نیاز به درآمدهای نفتی نیاز قابل‌رفعی در کوتاه‌مدت نیست، باید چاره‌اندیشی دیگری کرد.

برای نمونه، یک راهکار عملی و کوتاه‌مدت استفاده از ویژگی‌های نفت و راهبردی بودن آن و هم‌چنین خواص فنی نفت است. اگر حل مسئله‌ی وابستگی با کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در کوتاه‌مدت ممکن نیست، می‌توان آن را با وابسته‌کردن دشمن و سایر طرف‌ها به این مسئله حل کرد. بدین معنا که با استفاده از ویژگی‌های فنی و راهبردی نفت بتوان دشمن و حتی سایرین بی‌طرف را وارد بازی کرده و در صورت اضرار کشور از این محل خود دشمن و سایرین نیز از این ضرر مصون نباشند. استفاده از این حربه می‌توانست تا حدود زیادی تحریم‌های اخیر را تسکین نماید. جایگزینی نفت یک نفت با ویژگی خاص با نفت دیگر با ویژگی دیگر با فرض وجود گزینه‌ی دیگر، هزینه‌های زیادی برای مصرف‌کننده دارد که می‌تواند به‌عنوان ابزار بازدارنده به‌استخدام درآید. البته بهره‌گیری از این حربه در

کوتاه‌مدت نیازمند بازاریابی، همکاری‌های تجاری و اقتصادی، تلاش هوشمندانه در تجارت بین‌الملل و استفاده از ظرفیت‌های حقوقی و قراردادی موجود دارد.

در بلندمدت نیز می‌توان برنامه‌های توسعه و خروج از وابستگی به نفت را دنبال کرد، ولی نکته‌ی اساسی همان است که نباید از کوتاه‌مدت و اثرات آن و سوءاستفاده دشمن اقتصادی از آن غافل بود. به‌علاوه راهبرد اقتصادی زمانی می‌تواند موفق باشد که بتواند هم کوتاه‌مدت و هم میان‌مدت و هم بلندمدت را پاسخگو باشد. دفاع غیرعامل اقتصادی این ظرفیت را دارد که بتواند چنین فرصتی را ایجاد نماید. به‌صورت خلاصه می‌توان الگوی خلاصه‌شده زیر را در خصوص کاهش وابستگی به نفت دنبال کرد.

جدول شماره‌ی ۷ - الگوی عملیاتی اقتصاد مقاومتی - مورد مطالعه وابستگی به نفت

عناصر اصلی دفاع غیرعامل اقتصادی			
ابزارها و فرصت‌های مناسب برای دفاع غیرعامل اقتصادی	اقدامات خصمانه‌ی اقتصادی دشمن	نقاط ضعف و آسیب‌پذیر اقتصاد	
۱- برنامه‌های خروج از وابستگی ۲- استفاده از ائتلاف‌های راهبردی ۳- هوشمندی در تجارت نفت ۴- بهره‌گیری از فرصت‌های زمان صلح	۱- تهدید تحریم و استفاده از بازرگانی ۲- تحریم نفت ۳- بهره‌گیری از اثر سوء وابستگی به نفت	۱- اثر نرخ ارز ۲- کاهش رقابت‌پذیری ۳- عقب‌گرد صنعتی ۴- مخاطرات سیاسی به دلیل وابستگی بودجه‌ی عمومی	وابستگی به نفت

جمع‌بندی و پیشنهادات

این تحقیق کوشیده است با استفاده از مفاهیم جبهه، جنگ و دفاع در گفتمان نظامی و توسعه و تغییر در این مفاهیم، تعریف کاربردی و عملیاتی از جنگ و دفاع اقتصادی ارائه نماید و با استفاده از این مفاهیم جدید الانتاج چارچوبی تحلیلی و نظری را ارائه نماید که بتواند راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی را تفسیر و تعریف نماید. این راهبرد دفاع غیرعامل ارائه‌شده نوعی تعریف عملیاتی و چارچوبی اجرایی برای به‌کار انداختن اقتصاد مقاومتی در یک پارادایم نظامی است.

بدیهی است در کوتاه‌مدت با توجه به فرصت اندک و در اختیار نداشتن فرصت برنامه‌ریزی از قبل و همچنین افشای برخی از اقدامات خصمانه‌ی دشمن، باید تمرکز اصلی بر روی ابزارها و فرصت‌های مناسب جهت دفاع باشد. بسیاری از اقداماتی که پیش‌تر در اقتصاد کشور به اجرا گذارده شده‌اند، می‌توانند برای مدیریت کوتاه‌مدت مورد استفاده قرار گیرند. البته اقدامات کوتاه‌مدت نباید مانع اجرای کامل الگو و رسیدن به اقتصادی مقاوم باشد.

اجرای کامل الگو باعث خواهد شد که اقتصاد کشور از ویژگی‌هایی برخوردار بشود که از ویژگی‌های دفاع غیرعامل و در واقع مقاوم‌سازی و واکنش‌کردن است؛ زمانی که اقتصاد مقاومتی بر اقتصاد کشور حکومت نماید، دیگر دشمنان، دندان طمع و تهاجمات اقتصادی را خواهند کشید؛ چرا که با مقاوم‌شدن اقتصاد کشور، ضمن به حداقل رسیدن احتمال موفقیت آنها در تهاجم اقتصادی، هزینه‌های جنگ اقتصادی برای آنها بسیار سنگین خواهد بود و این همان ویژگی بازدارندگی دفاع غیرعامل است.

هم‌چنین ویژگی دیگر دفاع غیرعامل با اجرای الگوی اقتصاد مقاومتی حاصل خواهد شد. این ویژگی به قابلیت برنامه‌ریزی و پیش‌بینی پیش از موعد اقدامات دفاعی در پارادایم دفاع غیرعامل مربوط است. طبیعی است با حکومت دفاع غیرعامل میزان شیبخون دشمن و غافلگیری نیروهای خودی به حداقل می‌رسد و در مواردی صفر می‌شود. این ویژگی مهم با اجرای راهبرد اقتصاد مقاومتی، برای اقتصاد کشور و افسران اقتصاد مقاومتی نیز حاصل خواهد شد. اقتصاد مقاومتی و دست‌اندرکاران آن با اجرای راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی ضمن در اختیار داشتن فرصت برنامه‌ریزی پیشینی برای مقابله و دفاع، به میزان قابل توجهی از غافلگیری و شیبخون در امان خواهند بود.

ویژگی صرفه‌ی اقتصادی که از ویژگی‌های مهم دفاع غیرعامل در مقایسه با دفاع عامل است، در راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی نیز حاصل می‌شود. هرچند ملت مقاوم و اقتصاد مردمی ایران توانسته است، در مقابل فشارهای اقتصادی کمر خم نکند، ولی پوشیده نیست که فشارهای اقتصادی دشمنان، هزینه‌های قابل توجه را بر کشور و مردم تحمیل کرده است. استفاده از راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی و حاکم نمودن اقتصاد مقاومتی به شدت با کارآیی

هزینه همراه است و ضمن افزایش دادن هزینه تهاجم در جانب دشمن، باعث مدیریت هزینه و کاهش آن در جانب نیروهای خودی می‌شود. ضمن آن‌که مانع اتلاف و هدر رفتن بخش زیادی از ثروت‌ها و دارایی‌های ملی می‌شود.

سایر ویژگی‌هایی که در دفاع غیرعامل وجود دارد که در این تحقیق نیامد نیز می‌تواند با به‌کارگیری اقتصاد مقاومتی به نفع اقتصاد کشور مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد. در ادامه ضمن ارائه‌ی چند پیشنهاد اجرایی، پیشنهاداتی نیز برای تحقیق‌های بیش‌تر و توسعه‌ی این مدل ارائه می‌شود. همان‌طور که اشاره شد، این تحقیق یک چارچوب نظری و تحلیلی ارائه کرده و با استفاده از این چارچوب نظری الگویی را جهت عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی فراهم نموده است. رسیدن به یک سیستم اقتصاد مقاومتی کامل لاجرم از تلاش‌های افسران اقتصادی و دانشمندان علوم انسانی است که باید با مجاهدت‌های علمی خود، روش‌ها، ابزارها و چارچوب‌های تحلیلی و عملیاتی لازم برای این الگو را توسعه دهند. این الگو نیازمند ابزارهای شناسایی، ارزیابی، گمانه‌زنی و رصد است که بتوانند به‌نحو بومی مأموریت‌های خاصی را انجام دهند. ضمن این‌که لازم است ابزارها و روش‌های نوینی توسعه یابند تا بتوان به‌عنوان پدافند از آنها استفاده نمود. از این‌رو، لازم است افسران اقتصاد مقاومتی با تلاشی مضاعف در جهت توسعه‌ی این ابزارها و چارچوب‌های نظری مجاهدت علمی حداکثری داشته باشند تا شاهد حضور پدافندی قوی در اقتصادی کشور باشیم.

لازم است جهت اجرای هر چه بهتر الگو و اقتصاد مقاومتی و برنامه‌ریزی مستمر نهادی مستقل با قدرت تصمیم‌گیری بالا، همانند شورای عالی جنگ در جنگ تحمیلی، عهده‌دار اقتصاد مقاومتی و اجرای آن باشد. هم‌چنین با عنایت به ضرورت و نیازمندی‌های علمی متناظر با اقتصاد مقاومتی و حتی سایر رشته‌های علوم انسانی و هم‌چنین لزوم تربیت افسران اقتصاد مقاومتی و به‌طور عام علوم انسانی، دانشگاه افسری علوم انسانی اسلامی با الویت دانشکده‌ی افسری اقتصاد تأسیس شود. این دانشگاه به‌صورت متمرکز عهده‌دار تربیت نیروی انسانی و افسران مورد نیاز اقتصاد مقاومتی و جنگ اقتصادی خواهد بود. ضمن آن‌که این دانشگاه بازوی علمی نهاد مستقل اقتصاد مقاومتی پیشنهادی و به‌طور کلی جنگ اقتصادی نیز هست.

منابع

فارسی

- ۱- ---- (۱۳۸۸)، «مبانی، اصول و شیوه‌های پدافند غیرعوامل»، انتشارات مدرسه، تهران.
- ۲- استراس، آنسلم و جولیت کوربین؛ (۱۳۸۵)، «اصول روش تحقیق کیفی»، بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ص ۱۷.
- ۳- بهروزی‌فر، مرتضی (۱۳۸۳)، «اثر تحریم‌های یک جانبه آمریکا بر اقتصاد بازرگانی ایالات متحده و بازارهای جهانی انرژی»، فصلنامه‌ی پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی، شماره‌ی ۳۳، صص ۱۹۵-۲۳۹.
- ۴- پيله‌فروش، میثم (۱۳۹۱)، «ردپای نفت در بودجه»، فصلنامه‌ی تازه‌های اقتصاد، شماره‌ی ۱۳۶، تابستان ۱۳۹۱، صص ۴۸-۴۹.
- ۵- جلالی فراهانی، محمد (۱۳۸۶)، «آمایش سرزمین و پدافند غیرعوامل»، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.
- ۶- دلاور، علی؛ (۱۳۸۵)، «مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی»، تهران، رشد، چاپ پنجم، ص ۲۵۹.
- ۷- رستمی، محمود (۱۳۷۸)، «فرهنگ واژه‌های نظامی»، انتشارات ستاد مشترک آجا، تهران.
- ۸- سلطانی‌فر، احسان و روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۹۰)، «مدل مفهومی تبیین گفتمان حاکمیت، مردم و رسانه با رویکرد پدافند غیرعوامل»، فصلنامه‌ی مطالعات میان رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، سال اول، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان، صص ۸۷-۱۱۴.
- ۹- سلیمانی، محمود (بی‌تا)، «پدافند غیرعوامل مقاومت ملی پایدار ویژه دانش‌آموزان دوره متوسطه»، بی‌جا.
- ۱۰- سیلورمن، دیوید؛ (۱۳۷۹)، «روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی»، محسن ثلاثی، تهران، تیان، چاپ اول، ص ۱.
- ۱۱- صادقی یارندی، سیف‌اله و طارسری، مسعود (۱۳۸۵)، «فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجاری بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت»، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، انتشارات چاپ و نشر بازرگانی، تهران.

- ۱۲- عساریان، حسین و حسینی، جهانبخش (۱۳۸۷)، «*راهبرد پدافند غیرعامل در برابر حملات هوایی*»، ماهنامه نگرش راهبردی، شماره‌ی ۹۲، صص ۹۱-۱۲۸.
- ۱۳- علیخانی، حسین (۱۳۸۰)، «*تحریم ایران شکست یک سیاست*» مترجم: محمد متقی‌نژاد، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، تهران.
- ۱۴- گال، مردیت و دیگران؛ (۱۳۸۲)، «*روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*»، احمدرضا نصر و دیگران، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و سمت، چاپ اول، ج ۱، ص ۵۹.
- ۱۵- محمدی، علی و موحدی‌صفت، محمدرضا (۱۳۸۷)، «*طراحی مراکز داده با رویکرد پدافند غیرعامل*»، ماهنامه نگرش راهبردی، شماره‌ی ۹۲، صص ۱۲۹-۱۵۶.
- ۱۶- معین، محمد (۱۳۸۵)، «*فرهنگ معین*»، انتشارات سرایش، تهران.
- ۱۷- موحدی‌صفت، محمدرضا (۱۳۸۶)، «*ملاحظات پدافند غیرعامل در شبکه‌های P2P*»، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.
- ۱۸- موحدی‌نیا، جعفر (۱۳۸۶)، «*اصول و مبانی پدافند غیرعامل*»، انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران.
- ۱۹- نظامی، قدیر و مهري، عباس (۱۳۸۷)، «*نقش پدافند غیرعامل در امنیت کشور*»، ماهنامه‌ی نگرش راهبردی، شماره‌ی ۹۲، صص ۱۸۷-۲۱۲.
- ۲۰- نیازی‌تبار، حسن (۱۳۸۶)، «*آسیب‌شناسی پدافند غیرعامل در برابر اقدامات NBC*»، مدیریت نظامی، شماره‌ی ۲۵، صص ۷۹-۱۱۲.

انگلیسی

- 21- Carter Barry E. (1992), "*International Economic sanctions: Improving the Erin Day*", Economic sanction Imposed by the United States against Specific Countries; 1979 through 1992, CRS Report for Congress, 63-92.
- 22- Hufbauer Garry C., Schott Jeffrey J. and Elliott Kimbely A. (2001), "*Economic Sanction Reconsidered: History and Current Policy*", 3rd Edition, Institution for International Economics.
- 23- Lopez, G and A. David (1995), "*Cortright: Sanction Sava, an Alternative to Military Intervention*", The Flecher Forum.
- 24- Meron, j. (1990), "*Democracy, Dendency, and Destablization: The Shaking of Alendes Regim*", Political science Quarterly, vol. 105, No. 1.
- 25- Viner, j. (1966), "*Dumping: A Problem in International Trade*", Chicago, University of Chicago press.
- 26- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8607010571>, 86/07/02 - 15:30